

زنگ خطر استهلاک اقتصاد ایران

Posted on ۱۴۰۲/۰۴/۱۳



مسعود جمالی، رئیس انجمن مدیران صنایع اصفهان

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه برای کشورها، دسترسی به منابع پایدار انرژی است؛ انرژی برق نیز یکی از منابعی است که در توسعه صنعتی و در کل مراحل توسعه نقش به‌سزایی دارد. در لیست‌های انجام فعالیت‌های تولیدی و در شرایط محیط کسب‌وکار دسترسی به برق، هزینه‌ها، قطعی‌های آن و ... بسیار موثر است.

بحث کمبود انرژی در حوزه گاز و برق در سال‌های گذشته یکی از مواردی است که در اقتصاد و تولید کشور مشکلاتی ایجاد کرده است. مشکلات به خصوص در حوزه برق تنها مربوط به تابستان نیست؛ بلکه در زمستان نیز به دلیل مصرف گاز نیروگاه‌ها و نبود گاز کافی با مشکل تامین آن مواجه هستیم و این یکی از معضلات و مشکلات بزرگ ضد توسعه در کشور است.

اگر در مورد انرژی فقط تامین برق صنایع را در نظر بگیریم، زبانی که قطع برق به صنعت وارد می‌کند، بسیار زیاد و در صنایع مختلف نیز متفاوت است. کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران در دوره گذشته طی پژوهشی میزان زیان قطع شدن برق در صنایع مختلف را مشخص کرد. به زبان ساده، قطع برق فقط توقف تولید نیست؛ بلکه هزینه‌های سربار و ثابتی که در تولید وجود دارد، نیز افزایش پیدا خواهد کرد و ناخودآگاه قیمت تمام شده محصولات واحدهای تولیدی نیز افزایش پیدا می‌کند. به این معنی که با هر بار قطع برق باعث می‌شویم، کالای گران‌تری در کارخانه‌های ما تولید شود.

اگر علت این امر را جویا شویم به یک مثلث 3 وجهی می‌رسیم که یک ضلع آن افزایش میزان مصرف در کشور است؛ با توجه به افزایش جمعیت، افزایش مصارف خانگی و افزایش میزان مصرف در بخش صنعت این اتفاق یعنی افزایش مصرف نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. ضلع بعدی که باعث ناترازی شده است، نبود سرمایه‌گذاری مناسب و به موقع در بحث

زیرساخت‌های تامین انرژی در کشور است که بخشی از آن به تحریم‌ها و نبود سرمایه‌گذاری خارجی باز می‌گردد و بخش دیگر به تعلیق پرداخت‌های پیمانکاران این صنعت از طرف دولت مربوط است که باعث شده است، پیمانکارهای نیروگاه‌های بخش کوچک که وارد سیکل شدند، انگیزه‌ی کافی برای سرمایه‌گذاری داخلی نداشته باشند.

در نهایت ضلع نهایی که شبکه توزیع برق کشور است که نیاز به بازسازی دارد؛ در این راستا، شاید سرمایه‌گذاری مناسب در بخش توزیع هم می‌توانست هدررفت شبکه کشور را کاهش دهد و صرفه‌جویی در رساندن برق از نیروگاه‌ها به مصرف‌کنندگان را در پی داشته باشد.

در بحث انرژی‌های تجدیدپذیر نیز علیرغم اینکه زحمت کشیده شده است و افرادی به این بخش ورود کرده‌اند؛ اما با توجه به شرایط آب و هوایی کشور و شرایط حاکم بر جو کشور و کاهش بارش در مناطق مختلف، برق تولیدی نیروگاه‌های آبی کاهش پیدا کرده است. در کنار این موضوع سرمایه‌گذاری عظیمی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی بادی و خورشیدی مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته و یا حتی کشورهای همسایه نداشتیم و در این قسمت هم همچنان به شدت به انرژی‌های فسیلی وابستگی داریم و از دو بعد آلودگی و هدررفت سرمایه‌های ملی خیلی خوب عمل نکردیم.

همچنین اقدامی ضد توسعه‌ای صورت گرفته و آن هم این است که از سال گذشته تمام مشکلات مصرف برق و ناترازی برق بر دوش صنایع گذاشته شده است، البته که هیچ صنعت‌گری راضی نیست که مصرف خانگی و هموطنان در گرمای تابستان با مشکل کمبود برق و خاموشی برخورد کنند؛ اما شاید مدیریت مصرف می‌توانست از تامین برق مورد نیاز کشور، تنها از طریق خاموشی مراکز صنعتی جلوگیری کند. کنترل میزان مصرف برق در بخش خانگی هم می‌توانست، عامل موثری باشد که تمام بار ناترازی بر روی تولید و صنعت که ناخودآگاه باعث افزایش قیمت کالاها می‌شود، نباشد.

البته مشکلات زیرساختی در توسعه صنعتی کشور فقط به بحث انرژی محدود نمی‌شود و شاید اگر بدون اغراق بگوییم، محیط کلان کسب‌وکار کشور یک مشکل زیرساختی برای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور است و متأسفانه تلاش مناسبی در زمینه بهبود محیط کسب‌وکار که می‌تواند زمینه و زیرساخت مناسبی برای توسعه اقتصادی در کشور باشد هم نداشتیم. این باعث شده است که ایران نه تنها در جهان، بلکه در منطقه هم جایگاه مناسبی از نظر شاخص‌های کلان محیط کسب‌وکار نداشته باشد.

کسری بودجه کشور هم ناخودآگاه باعث می‌شود، بخش عمرانی کشور آسیب ببیند. به همین دلیل درآمدهای دولت به سمت مخارج و تامین هزینه‌های دولت می‌رود و سرمایه‌گذاری در بخش عمرانی کشور نادیده گرفته می‌شود و می‌توان گفت این یک فرآیند ضد توسعه است که در ایران رخ می‌دهد و هر قدر این فرآیند طولانی‌تر شود، باعث فرسوده شدن و افزایش مشکل خواهد شد.

چند عامل پایداری انرژی، محیط کلان کسب‌وکار که شاخص‌های مختلف دیگری نیز در آن دیده می‌شود و بخش‌های حکمرانی از جمله نبود فرهنگ توسعه در حکمرانی کشور علیرغم برنامه‌های بالادستی که باعث شده است، میزان سرمایه‌گذاری در کشور به شدت کاهش پیدا کند، نرخ استهلاک سرمایه‌گذاری افزایش یابد و میزان آن از میزان سرمایه‌گذاری در کشور بیشتر شود؛ زنگ خطر مجددی است که صنعت و اقتصاد ایران به سمت مستهلک و قدیمی شدن در حرکت است و در درازمدت می‌تواند اثرات دوچندانی در این بخش داشته باشد.